

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال ششم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۲-شماره پیاپی ۲۲

تشبیهات در اشعار شیخ بهایی

(ص ۱۰۰-۸۳)

بهاء‌الدین اسکندری (نویسنده مسئول) ^۱متین محمد شفیعی^{۱۱}

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۴

چکیده

شیخ بهاء‌الدین عاملی، عالم، فقیه و عارف برجسته شیعی قرن دهم هجری بود و با آنکه زبان پارسی زبان مادریش به شمار نمی‌آمد، دستی هم در شعر و سخنوری به زبان پارسی داشت؛ شاعری میانحال که شعر در دست او نه میدان نمایش هنر که ابزار انتقال احساس و عاطفه و اندیشه بود و این خود عاملی شد که شعرش از پیچیدگیها و تکلفات شاعرانه و تصاویر تودرتو به دور ماند. این مقاله کوششی است در باب تشبیه در اشعار او که با بسامدی چهل و پنج درصدی در میان انواع صور خیال در بالاترین مرتبت در شعرش نشسته است؛ تشبیهاتی که اغلب ابتکار چندانی ندارد، اما خالی از لطافت و ظرافت شاعرانه هم نیست. تشبیهاتی که اساساً تلاشی است برای ملموس و محسوس کردن عناصر انتزاعی. از همین روست که بهائی بیشترین بهره را از تشبیه عقلی به حسی برده و غالب عناصر سازنده در مشبه‌های خویش را از عناصر مجرد و انتزاعی و مشبه به‌ها را از عناصر محسوس برگزیده است.

کلمات کلیدی: شیخ بهایی، شعر، تشبیه، صور خیال

^{۱۰}. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

^{۱۱}. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، (comtn2013@gmail.com)

مقدمه

شیخ بهائی از نام‌آوران روزگار صفوی است، از پرآوازه‌ترین چهره‌های آن زمان، از آنان که برگی پر بار از تاریخ فرهنگ این سرزمین را به نام خود کرده‌اند، از آنان که چند چهره‌اند: در علوم و معارف مختلف دستی توانا دارند و تا سالها مرجع و ملجأ علمی طالبانند، از آن نادره‌هایی که شوق علمی را با ذوق ادبی همراه دارند.

بهائی شاعری متوسط بود که سرمایه‌های علمی بسیار و مقام بلند اجتماعی و مذهبی او سببی شد تا شهرتش در شاعری از بسیاری از اساتید سخن عهد صفوی بسی فراتر رود. وی که زبان پارسی زبان مادریش نبود و گویا دقایق و ظرایف سخن پارسی را اساساً از راه تتبع در آثار اصیل فارسی آموخته باشد، خواه در مضمون و خواه در سخن و ظرافت‌های آن، در صف نخست شاعران روزگار خود نیست. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵: ص ۱۰۴۲) او در سرودن از سبک‌های مختلفی تأثیر پذیرفت و از بیان مقصود به سبکی مشخص بازماند. به هر روی این سخن حقیقت است که فصاحت در آثار یک شاعر یا نویسنده، بستگی مستقیم به وقوف و احاطه او بر زبان شعر یا نثر مورد نظر دارد. زبان مادری شیخ، عربی است و همان طور که در برخی تذکره‌ها آمده است، بعد از طی دوران کودکی در ایران توطن گزیده، لذا به ناچار نمیتوانسته به دقایق، رموز و لطایفی که خواه و ناخواه بر ذهن انسان اثر میگذارد آشنا شده باشد. (کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی، جواهری، ص ۱۲).

دیوان کوچک بهایی گذشته از غزلهای، رباعیات، مستزاد، مخمس و ابیات پراکنده، چند مثنوی جداگانه مستقل نیز، در خود جای داده است که هرچند نوآوری چندانی در آن دیده نمیشود، ولی در مجموع خالی از لطف نیست و شیخ بر آن بوده که تنها در جایگاه تقلیدگر ظاهر نشود. وی با کاربرد صورتهای مختلف خیالی در مضمونهای متعدد بخوبی تسلط خود را در این فن نشان داده و اشعاری جذاب برای عام و خاص آفریده است. وی در سرودن مثنوی از عطار و مولوی، در غزل از سعدی، حافظ، عراقی و مولوی پیروی میکرد و در رباعی نیز به ابوسعید و خواجه عبدالله و خیام نظر داشت (همان، ص ۱۲).

از امتیازات شعری بهایی این است که او در بحبوحه ای که تقریباً تمام شاعران ایران پیرامون سبک هندی می‌گشتند «یکی از سرایندگان نادری است که بدان روش شعر نگفته و همان اصول انسجام و روانی و سادگی و طراوت خاص شعرای عراق را که پیش از سبک هندی معمول بوده است، نگاه داشته» (دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۲۴) از این رو بابررسی اشعار او میتوان تا حدودی با شعر و اندیشه و نوع نگرش شاعران سنت‌گرای عصر صفوی آشنا شد.

پیشینه

تاکنون در باب آثار و احوال و اشعار بهایی کوشش‌هایی از سوی فرهیختگان و پژوهشگران به انجام آمده است و آثاری تألیف شده است؛ آثاری همچون: دیوان اشعار بهایی به انضمام مقدمه ای مبسوط از استاد سعید نفیسی، کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی به همت غلامحسین جواهری، کتاب سیمایی از شیخ بهایی در آیینۀ آثار از محمد قصری و مقاله‌ تأملی در سبک شعر شیخ بهایی از احمد محمدی که در همین مجله به چاپ رسیده است. با این حال، در مورد بررسی اشعار او بر اساس صور خیال تا به حال تحقیقی صورت نگرفته است

در این پژوهش شماره صفحات تمام اشعار بر اساس کلیات اشعار شیخ بهایی با مقدمه سعید نفیسی است.

تشبیه در شعر بهایی

تشبیه را هسته اصلی و مرکزی اغلب صور خیال شاعرانه دانسته اند و فرمانروای اقلیم بسیاری از شگردهای بلاغی خوانده اند (نقشبند سخن، تجلیل، ص ۲) در میان عناصر خیال، شیخ بهایی بیشترین بهره را از همین بالانشین اقلیم بلاغت برده است. در میان چهار مبحث علم بیان — مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه — تشبیه با بسامد ۴۵ درصدی، نخستین جایگاه را در اشعار شیخ به خود اختصاص داده است.

در تشبیهات او گرچه ابتکارات چندانی نتوان سراغ گرفت، اما استفاده از صناعات دیگر ادبی — از جمله تناسب، تضاد، تلمیح، استعاره، سجع، جناس — بی آنکه کلام را سنگین

و متکلف و مبهم سازد از ابتدال تکرار این تشبیهات کاسته و آنها را گوشنوازتر ساخته است. در این مقاله خواهیم کوشید از مناظر مختلف، تشبیهات به کار آمده در مجموعه اشعار شیخ را بنگریم و واکاوییم.

۱-۱. تشبیهات بهایی به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین

الف) تشبیه عقلی به حسی

تشبیه عقلی به حسی رایجترین نوع تشبیه است (بیان، شمیسا، ص ۶۳) و در صورت کشف رابطه و مناسب همانندی اغلب زیباترین شکل همانندی را بوجود می‌آورد (فن بیان در آفرینش خیال، ثروتیان، ص ۹۸). از بررسی تشبیهات اشعار بهایی این نتیجه برمی‌آید که تشبیه عقلی به حسی با بسامد ۵۹ درصدی از این منظر - به اعتبار عقلی و حسی طرفین - در جایگاه نخستین است. بسامد بالای این تشبیه در اشعار وی نشانی است از ذهنیت انتزاعی شیخ و گرایش بسیار او به امور معنوی و این خود حکایتی تواند بود از درونگرایی او که از عالمی عارف، غریب و شگفت نیست. برای متفکری چون او که رسالت خویش را در سرودن شعر شریک کردن مخاطب در تجربه های معنوی خویش و تعلیم او میداند، چه تشبیهی رساتر از تشبیه عقلی به حسی میتواند مفاهیم مجرد، انتزاعی، معنوی و مقولات پیچیده فلسفی را که درک آنها با دشواریهایی همراه است، محسوس و ملموس نماید. در ذیل به نمونه‌های کوشش او در محسوس کردن مقولات اشارت خواهد رفت:

علم رسمی به سپند:

حدیث علم رسمی در خرابات برای دفع چشم بد، سپند است
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۰۷)

وصل به میوه:

طمع در میوه وصلش بهایی مکن کان میوه، بر شاخ بلند است
(همانجا)

عشق به پیر:

آن را که پیر عشق به ماهی کند تمام در صد هزار سال ارسطو نمیکند
(همان، ص ۱۰۸)

در این میان از تصاویر و ترکیباتی چون:

عشق به صحرا، طاعت به راه (همان، ص ۱۱۱) شغل به دانه، عمل به دام؛ وصل به صبح، هجران به شب (همان، ص ۱۱۲)، محنت به وادی، بلا به تیر، هجر به شام (همان، ص ۱۱۳) نفس به سنگ، عشق به شراب، کفر به دود، عشق به قمار (همان، ص ۱۱۴)، درد به کوه، فراق به نار (همان، ص ۱۱۹)، علوم به فضلۀ شیطان، دل به لوح، قدم به جام (همان، ص ۱۲۱)، مقصود به گنج، گمراهی به زنگ (همان، ص ۱۲۲)، نفرت خلق به دورباش (همان، ص ۱۲۳)، وجود به سنگ ره، دولت به گوی، نفس به گاو، ذنوب به قید، لذت به جیل، روح به اقلیم (همان، ص ۱۲۴)، طبع به چاه، عزت به گنج (همان، ص ۱۲۶)، تلبیس به نان، عدالت به کوه بوقییس، دولت به اسب، هوس به نار (همان، ص ۱۲۸)، همت به رخس (همان، ص ۱۳۱)، حرمان به کوی، دین به خرمن (همان، ص ۱۳۲)، هموم به قید، صدر به طور (همان، ص ۱۳۴)، وجود به مصر (همان، ص ۱۳۶)، شهود به سریر، لا به بستر، معاصی به بحر، وساوس شیطانی به بند (همان، ص ۱۳۷)، لہو و لعب به باده، دل به شیشہ (همان، ص ۱۳۸)، علوم رسمی به مفتاح، شریعت به نان (همان، ص ۱۳۹)، غرور به باد، دل به لوح محفوظ (همان، ص ۱۴۰)، عشق به کلید، الست به شراب، جاه به کنده، وصال به نفحات (همان، ص ۱۴۱)، هوی و هوس به جام، معاصی به شراب، (همان، ص ۱۴۲)، مقصود به گنج، فقه به زاد (همان، ص ۱۴۵)، لا به نهنگ، وحدت به جام، معنی به دُر (همان، ص ۱۵۴) معنی به گلزار، علم به معدن، حلم به کشور، حرمان به چاه، محشر به بازار (همان، ص ۱۵۹)، شرع به قصر (همان، ص ۱۶۱)، عشق به شاهراه، وصل به جام (همان، ص ۱۶۲)، صحبت به آتش (همان، ص ۱۶۶)، مرگ به شربت، وفا به تخم، قلندری به شمع (همان، ص ۱۶۷)، علم به شاخ برهنه، تحصیل به بر، طاعت به مزرع (همان، ص ۱۶۸)، وحدت به جام (همان، ص ۱۶۹)، تقوی به شیشہ (همان، ص ۱۷۱)، عصیان به گرد (همان، ص ۱۷۲)، جان به لیلی، توبه به عروس (همان، ص ۱۷۳)، میتوان گرایشهای فکری و دل بستگیهای وی را دریافت.

(ب) تشبیه حسی به حسی

پس از تشبیه عقلی به حسی، گرایش بهایی بیشتر به تشبیه حسی به حسی است. این گونه تشبیه با بسامد ۳۷ درصدی جایگاه دوم را - از این نگاه - در تشبیهات او دارد. بسامد بالای بهره‌گیری از این نوع ماندگی به شاعران طبیعت‌نگر و احساس‌گرا و به اصطلاح برون‌گرا اختصاص دارد، اما هر شاعری - از جمله شیخ نیز - در دنیایی زیسته که نخستین تجربه‌ها و فراوانترین آنها همین تجربه‌های محسوس است؛ تجربه‌هایی که جز برخی فیلسوفان ایدئالیست در آنها و عینیت آنها تردیدی نداشته‌اند. شعر شاعر نیز صحنه‌ای از زندگی اوست، بازتابی از حیات و تجربه‌های آن؛ پس اگر شیخ و امثال او - که عمری را در لا به لای کتب علمی و در اوج آسمانهای معنوی زیسته‌اند - نیز از این تشبیهات فراوان بهره‌گیرند، غریب نیست. این نکته را نیز میباید در نظر داشت که شاعران عارف نخست بر اساس تجربیات باطنی و عاشقانه خویش از معشوق ازلی، او را در قالب مهری دلربا و شهرآشوب تصویر میکنند و این خود به واقع تشبیهی است عقلی به حسی و سپس این محبوب فتان و پاره‌های اندام او را به محسوسات مانند میکنند. گرچه در اینجا به ظاهر با تشبیه حسی به حسی رو به رو هستیم، اما واقع آن است که تشبیهی عقلی به حسی را به اصطلاح در تقدیر و در پشت لایه‌های احساس و تجربه شاعر با خود دارد.

سنگ به سنجاب، خار به قاقم:

هر سنگ و خار این راه، سنجاب دان و قاقم
راه زیارت است این، نه راه گشت بازار
(همان، ص ۱۱۰)

اشک به گهر:

از دیده خونبار نثار قادم او
کردم گهر اشک من مفلس بی چیز
(همان، ص ۱۱۱)

تن به شهر:

آن قدر در شهر تن مانندی اسیر
کان وطن یکباره رفتت از ضمیر
(همان، ص ۱۲۵)

نمونه‌های فراوانی از این نوع را میتوان در اشعار وی یافت که در پی به برخی از آنها اشارت می‌رود:

کلب به سایه، سگ به مخاطب (همان، ص ۱۲۷)، وضو به سد اسکندر (همان، ص ۱۲۹)، قرآن به نهر، عابد به آهو، رنگ مخاطب به زمرد، تن به عنکبوت، او به گوزنان، مخاطب به شاه

مردان (همان، ص ۱۳۱)، مخاطب به چرخ، دنیا به مار، مخاطب به کتان (همان، ص ۱۳۲)،
 خمرالطهور به مفتاح (همان، ص ۱۳۴)، مخاطب به خورشید، مخاطب به خرمدگان، کتب به
 خشت (همان، ص ۱۳۹)، خاک به صفحه، جهان به قید، کلاه به تخته (همان، ص ۱۴۱)، مخاطب
 به مرغابی (همان، ص ۱۴۲)، تن به جهان (همان، ص ۱۴۵)، قطعه ای از ارض به سرای
 خلد (همان، ص ۱۴۶)، او به نان و پنیر و خربزه، زلف به هندو (همان، ص ۱۵۱)، اشک به سیل،
 رخسار به گل (همان، ص ۱۶۱)، برف به پر قو، خار راه به سنجاب (همان، ص ۱۶۶)، فردی به
 لیلی، دنیا به سرای (همان، ص ۱۶۷)، سر زلف به مار، باد به طوفان (همان، ص ۱۷۲).

ج) تشبیه عقلی به عقلی

تشبیه عقلی به عقلی قاعده‌ی نباید وجود داشته باشد؛ زیرا از مشبه‌ی به عقلی، وجه شبه
 روشن و صریحی اخذ نمیشود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم (بیان، شمیسا، ص ۳۸) و
 گویا از همین روست که کمترین نوع تشبیه - به اعتبار حسی و عقلی بودن دو سوی آن - را
 در آثار بزرگان از همین نوع میباید جست. شیخ نیز که از این قاعده مستثنی نیست، از این
 گونه تشبیه جز مواردی اندک بهره نبرده است - تنها سه درصد - و این اندک، جایگاه سوم
 تشبیهات را - از منظر منظور در این بحث - در آثار او به خود اختصاص داده است:

علم دنی به جان:

وین علم دنی که تو را جان است
 فضلات فضاایل یونان است
 (همان، ص ۱۳۹)

وقت به خاطر ناشاد:

راه مقصد دور و پای سعی لنگ
 وقت، همچون خاطر ناشاد تنگ
 (همان، ص ۱۶۰)

د) تشبیه حسی به عقلی

یک درصد از تشبیهات شیخ بهی حسی به عقلیند.

خود به شوق موسی:

پای امیدم، بیابان طلب گمکرده‌ای
 شوق موسایم، سر کوی ادب گمکرده‌ای
 (دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۱۱)

مخاطب به پری:

گر ز دیو نفس میجویی امان
 رو نهان شو، چون پری از مردمان
 (همان، ص ۱۲۲)

حضرت سجاد(ع) به معدن علم:

الهی به سجاد، آن معدن علم الهی به باقر، شه کشور حلم
(همان، ص ۱۵۹)

غمزه به سحر:

ای برده به چین زلف، تاب دل من وی کشته به سحر غمزه، خواب دل من
(همان، ص ۱۷۳)

۱-۲. تشبیهات بهایی از نظر وجه شبه

شیخ در تصاویر شعری خویش، رفتاری پیچیده ندارد؛ از همین رو وجه شبه های او را غالباً با کمترین درنگی میتوان دریافت. در اینجا کوشش خواهد شد، این رکن از جهاتی چند مورد بررسی قرار گیرد:

الف) تشبیه مجمل و مفصل

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که تقسیم تشبیهات از حیث ذکر یا عدم ذکر وجه شبه، بحثی صوری و مرتبط با روساخت تشبیه است. در تشبیه آنچه اهمیتی بیشتر دارد، مباحث مرتبط با ژرف ساخت تشبیه است. به هر حال بررسی تشبیهات اشعار بهایی نشانگر آن است که تشبیهات او غالباً فشرده و بلیغند؛ تشبیهاتی فاقد وجه شبه - و بنابراین از این حیث مجمل - و درصد بسیار کمتری همراه با وجه شبه و مفصل. (در حدود ۷۸ درصد مجمل و باقی - ۲۲ درصد) این نکته خود بیانگر این واقعیت تواند بود که غالب تشبیهات او برگرفته از کلیشه های مرسوم و تصاویر بشناخته است:

ب) وجه شبه تحقیقی و تخیلی

مراد از وجه شبه تحقیقی آن است که شباهت مورد نظر به واقع و حقیقتاً در دو سوی تشبیه وجود داشته باشد و وجه شبه تخیلی آنجاست که ماندگی ادعائی در هر دو طرف تشبیه و یا در یکی از آنها خیالی باشد. از آنجا که در تشبیهات مجمل در مواردی بسیار، درک وجه شبه بر عهده ذوق مخاطب است، در این بررسی تنها به تشبیهات مفصل اکتفا شد. این بررسی از آن حکایت دارد که از تشبیهات مفصل - که خود حدوداً ۲۲ درصد از تشبیهات شیخ - ۷۶ درصد وجه شبه ها تحقیقیند و باقی - ۲۴ درصد - تخیلی. و این خود نشانی تواند بود از آنکه شیخ کمتر در دامنه خیال به جستجو میپرداخته و ذهن او با آنکه معناگراست و آشنای سپهرهای معنویت و اذهانی چنین با وسعت دامن خیال غریب نیستند، واقعیات ملموس را دستمایه کار خویش و اهداف خود میپسندد. در پی نمونه هایی از هر دو وجه آمده است:

تحقیقی:

پا مکش از دامن عزلت به در / چند گردی چون گدایان دربه در
(همان، ص ۱۲۲)

وجه شبه «دربه در گردیدن» است که در هر دو سوی تشبیه تحقیقی مینماید.
عابدی در کوه لبنان بُد مقیم / در بن غاری چو اصحاب الرقیم
(همان، ص ۱۲۶)

«مقیم بودن در بن غار» وجه شباهت دو رکن تشبیه است و در هر دو طرف تحقیقاً موجود.

تخیلی:

شد عمر تو شصت و همچنان پستی / وز باده لهُو و لعب مستی
(همان، ص ۱۳۸)

«مست کردن» در ارتباط با باده، تحقیقی و در ارتباط با لهُو و لعب تخیلی است.
لا نهنگی است کائنات آشام / عرش تا فرش درکشیده به کام
(همان، ص ۱۵۴)

«به کام کشیدن و آشامیدن» نهنگ، تحقیقی است و در مورد «لا»، تخیلی.

ج) وجه شبه دوگانه (استخدامی، ایهامی)

تا باد صبا پیچ سر زلف تو واگرد / بر خود چو سر زلف تو پیچیده ام امروز
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۱۱)

«در خود پیچیدن» زلف حکایت از مجعد بودن میکند و «در خود پیچیدن» بهایی، نشان از بیقراری و ناآرامی او دارد.

د) وجه شبه مفرد، متعدد و مرکب

با توجه به اینکه «وجه شبه مرکب از مشبه به مرکب اخذ میشود» (بیان، شمیسا، ص ۱۰۱) و غالب مشبه به‌های بهایی مفرد و مقید است، میتوان گفت اکثر قریب به اتفاق وجه شبه‌های تشبیهات وی نیز غیر مرکب است و از آنجا که غالب تشبیهات بهایی – هشتاد و دو درصد – بلیغ است و دریافت وجه شبه بر عهده مخاطب است و معمولاً در این موارد به جای معنایی خاص با طیفی از معنا که مصادیق متعددی میتواند داشت، رو به رو هستیم، میتوان گفت در تشبیهات او وجه شبه متعدد بالاترین بسامد را داراست. نمونه‌های زیر از وجه شبه‌های مفرد و متعدد انتخاب شده‌اند.

وجه شبه مفرد: (زهر در درون داشتن)

زهر دارد در درون دنیا چو مار گر چه دارد در برون نقش و نگار
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۳۲)

وجه شبه متعدد: (گردی - درخشندگی - ارزشمندی)

از دیده خونبار نثار قدم او کردم گهر اشک من مفلس بی چیز
(همان، ص ۱۱۱)

۳-۱. تشبیهات بهایی بر اساس ادات تشبیه

الف) تشبه مرسل و مؤکد

با بررسی تشبیهات صریح - یعنی تشبیهاتی که مضمیر و پوشیده نیستند - در اشعار بهایی این نتیجه حاصل شد که پانزده درصد تشبیهات از این حیث، به تشبیه مرسل اختصاص دارد و مابقی نیز مؤکد است. در این میان، اداتی از قبیل: همچون، همچو، چون و چو بیشترین بسامد را دارد و گذشته از این ادات کلیشه‌ای و متعارف، بندرت ادات دیگری نیز به کار رفته است. ذیل عناوین مختلفی که مطرح گردیده موارد مختلفی از تشبیه مؤکد آمده است. در اینجا تنها به ذکر شواهد ادات نادر اکتفا می‌گردد:

(آیین)

امشب بوزید باد طــــوفان آیین چندانکه برفت گــــرد عصیان ز جبین
(همان، ص ۱۷۲)

(نشان دادن)

قطعه ای از ارض بود او را مکان کز سرای خلد می دادی نشان
(همان، ص ۱۴۶)

(گویا)

بس سبک روح و لطیف و با مزه است گویا نان و پنیر و خربزه است
(همان، ص ۱۵۱)

(صفت)

روزی به هوای عشق سیری میکرد لیلی صفتی بدید و بیرون شد و رفت
(همان، ص ۱۵۱)

۴-۱. تشبیهات بلیغ

تشبیه آنجا که فارغ از ادات تشبیه و وجه شبه آید، اغلب زیباتر و مؤثرتر است و رسا و بلیغ در تأثیری که هنرمند به دنبال آن است. ۸۲ درصد تشبیهات بهایی از همین گونه بلیغند: ۷۴ درصد آن به صورت اضافی و باقی به صورت غیراضافی. میل او به تشبیه بلیغ از

گونه‌ی اضافی که تقریباً ۶۱ درصد کل تشبیهات او را شامل می‌گردد، نشانگر میل نسبی او به ایجاز و فشرده‌گویی است:

به عالم هر دلی کو هوشمند است به زنجیر جنون عشق بند است
(همان، ص ۱۰۶)

آنان که شمع آرزو در بزم عشق افروختند از تلخی جان‌کندم از عاشقی واسوختند
(همان، ص ۱۰۷)

نمونه‌هایی از تشبیهات بلیغ غیراضافی:

دل که فارغ شد ز مهر آن نگار سنگ استنجام شیطانش شمار
(همان، ص ۱۲۰)

علم است برهنه شاخ و تحصیل بر است تن خانه‌ی عنکبوت و دل بال و پر است
(همان، ص ۱۶۸)

۱-۵. تشبیهات بهائی به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین

با بررسی تشبیهات بهایی از این حیث، این نتیجه حاصل می‌شود که نوع مفرد به مفرد با حدود ۸۲ درصد دارای بیشترین بسامد است و پس از آن تشبیهات مفرد به مقید با حدود ۱۲ درصد و تشبیه مقید به مفرد با چهار درصد در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند و این سه نوع در مجموع بیش از ۹۸ درصد از تشبیهات وی را به خود اختصاص داده‌اند، تشبیه مقید به مقید انگشت شمار است و تشبیهات مرکب (تشبیهاتی که یک طرف آن مرکب است) نیز کاربرد چندانی ندارد. «این میل اندک به تشبیهات مرکب در شعر شاعران عارف مسلک [همچون بهایی] گویا برخاسته از آن باشد که اینان در هنگام سرودن اشعار عرفانی، گرفتار نوعی خلسه معنوی میشوند و در این وضعیت روحی و روانی، خلق تصاویر ترکیبی قدری دشوار مینمایند.» (تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی، آقا حسینی، ص ۹)

مفرد به مرکب:

گوه‌ر یکتای بحر دودمان دانشم لیکن از ننگ سرفرازی لقب گم کرده‌ای
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۱۱)

من آینه‌ی طلعت معشوق وجودم از عکس رخس مظهر انوار شهووم
(همان، ص ۱۱۲)

مقید به مرکب:

سینه‌ی خالی ز مهر گلرخان کهنه انبانی بود پر استخوان
(همان، ص ۱۲۰)

این علوم و این خیالات و صور
فضله شیطان بود بر آن حجر
(همان، ص ۱۲۱)

مرکب به مفرد:

حدیث علم رسمی در خرابات
برای دفع چشم بد، سپند است
(همان، ص ۱۰۷)

بیت فوق تنها نمونه یافت شده از این نوع است.

مرکب به مرکب:

اندر این ره چیست دانی غول تو
این ریایی درس نامعقول تو
(همان، ص ۱۲۹)

۱-۶. تمثیل و ارسال المثل

مباحثی مانند تمثیل و ارسال المثل را میتوان به عنوان زیر مجموعه تشبیه مرکب مطرح کرد (معانی و بیان، همایی، ص ۱۴۳) در ذیل نمونه‌های تشبیه تمثیل ارائه می‌گردد:

پیر چون گشتی، گرانجانی مکن
گوسفند پیر قربانی مکن
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۲۴)

رنج راحت دان چو شد مطلب بزرگ
گرد گله توتیای چشم گزرگ
(همان، ص ۱۲۵)

ارسال المثلها:

از پی آن میروی از جان و دل
وز پی این مانده ای چون خر به گل
(همان، ص ۱۳۰)

تا منزل آدمی سرای دنیا است
کارش همه جرم و کار حق لطف و عطاست
خوش باش که آن سرا چنین خواهد بود
سالی که نکوست از بهارش پیداست
(همان، ص ۱۶۷)

۱-۷. انواع تشبیهات بهایی به لحاظ شکل

پس از فراغت از بررسی تشبیهات بهایی از حیث ساختاری، به جاست به لحاظ شکل ظاهری نیز نگاهی به تشبیهات شیخ انداخت. از این منظر انواع تشبیهات عبارتند از:
۱. ملفوف ۲. مفروق ۳. تسویه ۴. جمع ۵. معکوس یا مقلوب ۶. مضمّر ۷. مشروط ۸. تفضیل. در پی نمونه‌هایی از برخی از این انواع آمده است:

الف) تشبیه مضمّر

بهایی به لحاظ شکلی از این نوع تشبیه که از هنری ترین انواع تشبیه به شمار است، نسبت به انواع دیگر بیشتر بهره برده است:

(غبار خاک کوی یار به سدر و کافور)

به جای سدر و کافورم پس از مرگ غبار خاک کوی او پسند است
(همان، ص ۱۰۶)

تشبیه مضمرا گاه وجوهی دیگر از صورتهای تشبیه همچون شرطی و تفضیل و عکس را با خود همراه دارد و از این روست که آن را تشبیه عالی نیز نامیده اند؛ نمونه رادر ابیات فوق ضمن تشبیه مضمرا "غبار خاک کوی یار" به "سدر و کافور"، با برتر شمردن مشبه بر مشبه به تشبیه، تشبیه تفضیلی نیز هست.

(کنج عزلت به گنج)

گنج خواهی؟ کنج عزلت کن مقام و آستتر و استخف، عن کل الانام
(همان، ص ۱۲۲)

(کتاب شفای ابن سینا به کاسه زهر)

تا کی ز شفاش شفا طلبی وز کاسه زهر دوا طلبی
(همان، ص ۱۳۹)

ب) تشبیه تفضیلی

روی تو گل تازه و خط سبزه نوحیز نشکفته گلی همچو تو در گلشن تبریز
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۱۱)

در این بیت روی یار به گل تشبیه شده است گلی که چون آن در گلستان روئیده نشده است. هرگاه تشبیه تفضیلی، نهان و مضمرا هم باشد، البته هنریتر و زیباتر است: شبی ز تیرگی دل سیاه گشت چنان که صبح وصل نماید در آن شب هجران
(همان، ص ۱۱۲)

در این بیت دل به صورتی پنهان و پوشیده به شب تشبیه شده است، دلی سیاهتر از شب و شبی که شب سیاه هجران پیش آن چون صبح وصال روشن مینماید.

ج) تشبیه تلمیحی

گرچه فهم «تشبیه تلمیحی منوط به کنکاوی در علم اساطیر است» (بیان، شمیسا، ص ۲۲۰) و بحث درباره آن از حوصله این مقاله بیرون است، ولی در هر حال اسطوره یکی از ابزارهای صورتگری و مخیل کردن کلام است. (فن بیان در آفرینش خیال، ثروتیان، ص ۲۵) بهایی گاه با اشاره به اساطیر مختلف به تشبیهاتش جنبه تلمیحی میبخشد؛ تلمیحات در

اشعار او بندرت دیده میشود و تصویرسازی با آنها نیز ابتکار چندانی ندارد. در ذیل نمونه‌هایی از تشبیهات تلمیحی وی آمده است:

(لیلی)

هر چه در عالم بود، لیلی بود
ما نمیبینیم در وی غیر وی
(دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۶۲)

(خلیل، ایوب)

باد گلزار خلیلم، شعله دارم در بغل
نالۀ ایوب دردم، راه لب گمکرده ای
(همانجا)

(مریم)

ور به آب زمزمش کردی عجین
مریم آیین پیکری از حور عین
(همان، ص ۱۲۳)

۸-۱. تقلید و ابتکار در تشبیهات شیخ بهایی

در ذیل تشبیهات وی را به دو قسمت تقلیدی، تکراری و ابتکاری و یا کمتر تکراری دسته‌بندی کرده ایم و برای آن نمونه‌هایی آورده ایم.

تشبیهات تقلیدی، تکراری

خاک در به سرمه، خورشید به چشمه، عشق به جنون (دیوان شیخ بهائی، نفیسی، ص ۱۰۶)، عشق به جام (همان، ص ۱۰۷)، دنیا به عروس (همان، ص ۱۰۸)، عشق به راه (همان، ص ۱۱۰)، روی به گل، خط به سبزه، اشک به گهر، خورشید به گهر، اجل به تیغ (همان، ص ۱۱۱)، هجران به شب، وصل به صبح (همان، ص ۱۱۲)، نفس به سگ، عشق به شراب، عشق به قمار (همان، ص ۱۱۴)، دل به خانه (همان، ص ۱۱۵)، قامت به قیامت (همان، ص ۱۱۹)، رو به ماه (همان، ص ۱۲۰)، دل به لوح (همان، ص ۱۲۲)، مقصود به گنج (همان، ص ۱۲۴)، دولت به گوی (همان، ص ۱۲۵)، دولت به اسب (همان، ص ۱۲۹) چون خر به گل ماندن (همان، ص ۱۳۰) دنیا به مار (همان، ص ۱۳۲) معاصی به بحر، علائق به قید (همان، ص ۱۳۷)، علم به نور (همان، ص ۱۴۰) اشک به امواج (همان، ص ۱۴۱)، علم به دریا (همان، ص ۱۵۱) اشتیاق به درد (همان، ص ۱۶۰) غفلت به خواب (همان، ص ۱۶۱)، زلف به هندو (همان، ص ۱۶۲) دنیا به سرای (همان، ص ۱۶۷) زلف به مار (همان، ص ۱۷۱) طاعت به مزرع، بار به غم (همان، ص ۱۷۲).

تشبیّهات ابتکاری یا کمتر تکراری

آرزو به شمع (همان، ص ۱۰۷)، قدرت به منشی (همان، ص ۱۱۰)، شغل به دانه (همان، ص ۱۱۲)، کفر به دود (همان، ص ۱۱۴)، پندار به پرده (همان، ص ۱۲۱)، صبر به بنا (همان، ص ۱۲۸) نفرت خلق به دور باش (همان، ص ۱۲۳)، توبه به نسیه، گناه به نقد (همان، ص ۱۲۴)، خبر به خبز (همان، ص ۱۲۶)، عدالت به کوه ابوقبیس؛ وضو به سد اسکندر (همان، ص ۱۲۹) هم صحبت به مهتاب، دین به کتان (همان، ص ۱۳۲)، وجود به مصر، شهود به سریر (همان، ص ۱۳۷)، علم به فضلات فضایل یونان (همان، ص ۱۳۹)، جاه به کنده (همان، ص ۱۴۱)، صمّ بکم به ربقه (همان، ص ۱۵۳) لا به نهنگ (همان، ص ۱۵۴)، علم به شاخ برهنه، تن به خانه عنکبوت (همان، ص ۱۶۹)، توبه به عروس؛ گناه به قافله (همان، ص ۱۷۰).

۹-۱. عناصر سازنده و تأثیرگذار و منابع الهام در تشبیّهات بهایی

شیخ بهایی در تشبیّهات خویش از عناصر و پدیده های خاص و مشخصی در طرفین تشبیه استفاده نکرده است که بیانگر ویژگی سبکی او باشد. در شعرش عناصر مختلفی میتوان دید؛ عناصری گاه از پدیده های طبیعی و گاه از دنیای پیرامون و محسوسات و مشهودات روزمره و گاه از عناصری که رنگی دینی و عرفانی دارد. او گاه از امور انتزاعی سود میجوید و گاه از اساطیر ملی و مذهبی برای تصویر سازی بهره میبرد، به هر حال این شاعر عهد صفوی سعی کرده از رهگذر تشبیه بخشی از اندیشه ها، عواطف، تجربیات و دانشها و مسائل اجتماعی عصر خویش را به شیوه ای مؤثر و ملموس برای مخاطب قابل فهم سازد.

محیط و اقلیم زندگی بهایی، تأثیر بسیار کمی بر تشبیّهات او گذاشته است، او بخش زیادی از عمر خود را در سیر و سیاحت گذرانده و طبیعتاً با چیزهای گوناگونی که میتوان با حواس پنجگانه درک کرد و به عنوان مشبه یا مشبه به استفاده نمود، برخورد داشته است؛ ولی گویا وی بیشتر سیر انفسی داشته تا آفاقی. شیخ گرچه از محسوسات به صورت چشمگیری در تشبیّهات خویش بهره برده است، اما این به معنی طبیعت نگری یا احساسگرایی بودن او نیست، بلکه همچنان که پیشتر اشاره شد این میل برای عینیت بخشی مفاهیم عمیق و گاه پیچیده انتزاعی به مخاطبانش میباشد و به همین دلیل با بررسی این دسته از محسوسات اشعار وی نمیتوان به محیط اطراف و اقلیمی که وی در آن زندگی کرده است، اشراف یافت.

بررسی اشعار بهایی نشانگر آن است که مفاهیم انسانی - مادی و معنوی - و نیز عناصر مجرد و انتزاعی حدود نود درصد و عناصر طبیعی که شامل پدیده‌های عالم طبیعت - روز، شب، رود، کوه، دریا، گیاهان، مکانها (صحرا، بیابان، چاه، ...) و ... است و همچنین عناصر غیر طبیعی یا اشیاء نیز هرکدام تقریباً پنج درصد از مشبه‌های تشبیهات وی را به خود اختصاص داده است. در مشبه‌ها نیز حدود ۶۸ درصد از طبیعت و سی درصد از اشیاء بهره‌برده است و مابقی نیز به مفاهیم انسانی و انتزاعی و سایر موارد اختصاص دارد. قابل ذکر است که سایر موارد از جمله عناصر حیوانی که شامل جانورانی است که در یکی از طرفین تشبیه قرار میگیرند و عناصر کیهانی که اجرام آسمانی از قبیل: خورشید، ستارگان، زمین و ماه میشود در حد انگشت شمار به کار رفته است، بسامدهای این بخش در طی مباحث تشبیه مورد تحلیل قرار گرفت.

نتیجه

خیال، جوهر اصلی شعر است. این عنصر در تصاویر شعر شاعران تجسم می‌یابد. با تعمق در این تصاویر است که میتوان افزون بر شناسایی شالوده فکری و شخصیت شاعر، نوآوری و ابتکار و یا تقلید و اقتباس وی را، در این آفرینش هنری و ساختن مضامین شعری تشخیص داد. مرکز اغلب صورتهای خیال که حاصل نیروی تخیل شاعر است، تشبیه است. بهایی از این عنصر بیش از دیگر صور خیال بهره‌برده است. تشبیه در اشعار او با بسامد چهل و پنج درصدی جایگاه و رتبه نخست را در میان چهار مبحث بیان به خود اختصاص داده است و این نشان از شخصیت شعری او دارد که متمایل به سرودن اشعار ساده و به دور از پیچیدگی و تکلفات شاعرانه است؛ چه بدیهی است که تشبیه روشنترین عنصر خیالی است که شاعر از آن بهره‌میرد و مخاطب نیز به راحتی آن را درک میکند. تشبیهات بهایی به پیروی از مشرب عقیدتی وی بیشتر جنبه معنوی دارد، گرچه در مضامین آن ابتکار چندانی دیده نمیشود؛ ولی شاعر با استفاده از صناعات دیگر ادبی از جمله: تناسب، تضاد، تلمیح، استعاره، سجع، جناس، تضاد و غیره بدون آنکه کلامش سنگین، متکلف و مبهم شود از ابتذال آن کاسته و به زیباییش افزوده است.

وی برای محسوس کردن مفاهیم مجرد و انتزاعی خود، از تشبیه عقلی به حسی بیشترین بهره را برده است. بررسیهای انجام شده بر اساس وجه شبه نیز مؤید این نتایج است که تشبیه مجمل ۷۸ درصد و مفصل ۲۲ درصد بسامد دارد. وجه شبه در تشبیهات مفصل ۷۶ درصد تحقیقی، ۲۴ درصد تخیلی است. همچنین اکثر قریب به اتفاق وجه شبه‌های تشبیهات او از نوع مفرد و متعدد میباشد. در اشعار بهایی تشبیهات مؤکد ۸۵ درصد و تشبیهات مرسل ۱۵

درصد بسامد دارد. وی از تشبیه بلیغ استفاده چشمگیری کرده به طوری که ۸۲ درصد از تشبیهات او به صورت بلیغ است. نتیجه بررسی تشبیهات به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین این است که تشبیهات مفرد به مفرد با ۸۲ درصد، مفرد به مقید با ۱۲ درصد و مقید به مفرد با چهار درصد در ردیفهای اول تا سوم قرار میگیرند و سایر موارد نیز بسیار کم کاربرد بوده است. در میان انواع تشبیه به لحاظ شکل، بهایی تنها از سه شکل مضمّر، تفضیلی و شرطی در حد بسیار کمی استفاده کرده است. در زمینه تقلید و ابتکار در تشبیهات او باید گفت که بیشتر آنها ابتکار قابل ملاحظه ای ندارد و میتوان نظایر آن را در شعر شاعران گذشته مشاهده کرد، البته نمیتوان منکر هر گونه نوآوری وی در این زمینه شد. اغلب عناصر سازنده در مشبه‌های او عناصر مجرد و انتزاعی و در مشبه‌ها عناصر محسوس طبیعی و غیر طبیعی است.

کتابنامه

۱. اسرار البلاغه، جرجانی، عبدالقاهر، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲. ابداع البدایع، گرگانی، شمس العلماء، به اهتمام حسین جعفری، چاپ اول، تبریز: احرار، ۱۳۷۷.
۳. بیان، شمیسا، سیروس، تهران: فردوس، ۱۳۸۳.
۴. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ج ۵. تهران: فردوس، ۱۳۷۶.
۵. ترجمان البلاغه، الرادویانی، محمد بن عمر، به تصحیح و اهتمام آتش، احمد. چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
۶. درباره ادبیات و ادبی، فرشیدورد، خسرو، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۷. دیوان کامل شیخ بهائی، نفیسی، سعید، تهران: چکامه، ۱۳۶۱.
۸. حدائق السحر فی دقایق الشعر، وطواط، رشید، به تصحیح عباس اقبال، تهران: سنایی، ۱۳۶۲.
۹. سفر در مه تأملی در شعر احمد شاملو، پورنامداریان، تقی، تهران: زمستان، ۱۳۷۴.
۱۰. شعر بی دروغ شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، چاپ سوم، تهران: جاویدان، ۲۵۳۶.
۱۱. صور خیال، شفیع کدکنی، محمدرضا، تهران: طوس، ۱۳۵۹.
۱۲. فن بیان در آفرینش خیال، ثروتیان، بهروز، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۳. کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی، جواهری، غلامحسین، تهران: کتاب فروشی محمودی، (بی تا).
۱۴. مدارج البلاغه، هدایت، رضاقلی خان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.
۱۵. معانی و بیان، علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، تهران: سمت، ۱۳۷۹.

۱۶. معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین، به کوشش ماهدخت همایی، تهران: هما، ۱۳۷۳.
۱۷. معیار البلاغه، عسکری، ابوهلال (به انضمام ترجمه الصناعتین)، ترجمه محمد جواد نصیری، مؤسسه تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۸. المعجم فی معاییر اشعار العجم، رازی، شمس‌قیس، تصحیح محمد قزوینی و محمد تقی مدرس رضوی، تهران: زوار، ۱۳۷۸.
۱۹. نقش‌بند سخن، تجلیل، جلیل، تهران: اشراقیه، ۱۳۶۸.
- مقالات
۱. تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی، آقا حسینی، حسین؛ براتی، محمود؛ نیکبخت، عباس. پژوهشنامه ادب فارسی، سال ششم، شماره یازدهم، ص ۹، ۱۳۸۷.
۲. تاملی در سبک شعر شیخ بهائی، احمد محمدی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال دوم، پائیز ۱۳۸۸ شماره پی‌درپی ۵.